

سوریوگین: تصویرگر پنج دوران

تأملاتی بر زندگی و آثار ادبی سوریوگین

امیر هوشنگ اللهی

www.ketab.ir

www.ketab.ir

عنوان و نام پدیدآور: سوروگین؛ تصویرگر پنج دوران/گردآورنده امیر هوشنگ للهی.

سرشناسه: للهی، امیر هوشنگ، ۱۳۵۷، گردآورنده ●● شابک: ۹۷۸۶۲۲۶۶۲۴۲۶۸

مشخصات نشر: تهران: کتاب پرگار، ۱۴۰۱ ●● مشخصات ظاهری: ۲۰۶ ص

موضوع: ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق - عکس‌ها

موضوع: عکاسی - ایران - تاریخ History- Iran- Photography

موضوع: عکاسی - ایران - مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: سوروگین، آنتوان، ۱۸۴۰ - ۱۹۳۳ م.

رده بندی دیویی: ۷۷۰/۹۵۵ ●● رده بندی کنگره: ۱۰۷ TR

شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۲۳۴۲۴ ●● وضعیت فهرست نویسی: فیبا



www.ketab.ir



سوریوگین؛ تصویرگر پنج دوران

ناملاتی بر زندگی، زمانه و عکس‌های آنتوان سوریوگین

گردآورنده: امیر هوشنگ للهی

ناشر: کتاب پرگار •• نوبت چاپ: اول ۱۴۰۲ •• شمارگان: ۵۰۰ نسخه

صفحه آرای: کوروش شبگرد •• طراحی جلد: نسیم برجیان •• مدیر تولید: آرش کمالی

شابک: ۹۷۸۶۲۲۶۶۲۴۲۶۸

مرکز توزیع: کتاب پرگار ۰۹۱۲۵۳۴۷۸۴۵ - ۰۲۱۶۶۹۶۲۴۳۲

فروشگاه اینترنتی: www.pargarbook.com

فهرست

www.ketab.ir

۹	 مقدمه
۱۸	 آنتوان سوریوگین آفرودیت دزیره نواب - ترجمه امیر هوشنگ للهی
۳۱	 زندگی روزمره در عکس‌های سوریوگین محمدرضا طهماسب پور
۴۵	 تأملاتی بر عکس‌های آنتوان سوریوگین از ایران عصر قاجار دکتر علی بهداد - ترجمه فریددیر مقدم
۸۷	 شکستن شیشه‌های سوریوگین باوند بهپور
۱۱۵	 بازیابی مکان استقرار سوریوگین استیسی شی ویلر - ترجمه بهار احمدی فرد
۱۵۹	 آنتوان خان سوریوگین؛ شیشه‌ها و عکس‌های آشفته احمد چایچی امیرخیز
۲۱۱	 نمایه

مقدمه

عکاسی با اختلافی اندک نسبت به اروپا (حدود سه سال دیرتر) به ایران وارد شد. صنعت عکاسی بر روی صفحه‌های حساس نقره‌ای (داگروتیپ) در سال ۱۸۳۹ میلادی به وجود آمد و در اختیار عموم قرار گرفت. در سال ۱۸۴۱ میلادی پلاک‌های شیشه‌ای برای عکس‌برداری ابداع شد. نخستین دستگاه‌های عکاسی به شیوه داگروتیپ به درخواست محمدشاه قاجار از کشورهای روسیه و انگلیس به دربار ایران فرستاده شد (۱). دستگاه‌های عکس‌برداری که هدیه امپراتور روس بود زودتر رسید و نیکلای پاولف دیپلمات روس که به این منظور آموزش عکاسی دیده بود، این دستگاه‌ها را به تهران آورد و در اواسط دسامبر ۱۸۴۲ میلادی (در یک روز پاییزی اواخر آذر ماه سال ۱۲۲۱ شمسی) نخستین عکس به شیوه داگروتیپ را از پادشاه و برخی درباریان ایران گرفت (۲). به نظر می‌رسد این نخستین رویارویی ایرانیان با عکس و عکاسی بوده است، اگرچه هنوز داگروتیپ‌هایی که عکاس روس در آن روزها عکس‌برداری کرده، پیدا نشده است.

از دوران قاجار به این سو، عکس و عکاسی یکی از دغدغه‌های مهم پادشاهان قاجار و مخصوصاً ناصرالدین شاه شد. او که خود، عکاسی علاقه‌مند و خوش ذوق بود، با پشتیبانی از فن عکاسی آن را گسترش داد و تقویت کرد. به این ترتیب، عکاسان بسیاری در ایران به این حرفه پرداختند. این عکاسان را می‌توان به دو دسته عکاسان ایرانی و غیرایرانی تقسیم کرد. در این بین هر کدام از این افراد تصویری متفاوت و مهم از ایران ثبت کردند. به این ترتیب، می‌توان ادعا کرد تاریخ عکاسی در ایران؛ قدمتی تقریباً برابر با عکاسی در غرب دارد. اما حجم نوشته‌ها و ترجمه‌ها به زبان فارسی در سال‌های گذشته در نسبت با نوشته‌های مربوط به تاریخ عکاسی در زبان‌های دیگر اندک است.

در طول چند سال اخیر، یکی از مراکز مهم و پژوهشی تاریخ عکاسی ایران، یعنی موزه عکسخانه شهر، اقدام کرده که با همکاری‌هایی درباره منابع و متون نظری مرتبط با عکاسی و تاریخ عکاسی در ایران وجود دارد. با وجودی که پیش از این استادان و پژوهشگرانی درباره عکاسی و تاریخ عکاسی در ایران فعالیت کرده و کارهای ارزشمندی هم انجام داده‌اند، اما به نظرم این تلاش‌ها و پژوهش‌ها می‌تواند در ابعادی متفاوت‌تر و با نگاهی عمیق‌تر ادامه پیدا کند. به همین دلیل تلاش کردم مقالاتی متفاوت درباره عکاسان قاجاری گردآوری کنم. این موضوعی است که جای آن در مطالعات هنری، تاریخی و انتقادی در ایران خالی است. یعنی عکس‌های تاریخی، افزون بر دیدگاهی تاریخی؛ باید از منظر معاصر امروز نیز نگریسته شوند.

به این ترتیب، وقتی به بررسی عکس‌های عکاسان دوران قاجار بازمی‌گردیم؛ با چندین مشکل اصلی روبه‌رو می‌شویم. نکته اول این است که معمولاً اطلاعات کافی از تمام عکس‌ها و عکاسان قاجاری در اختیار نداریم و یکی از مهم‌ترین

مراکزی که باید این عکس‌ها را در اختیار پژوهشگران ایرانی قرار دهد، یعنی کاخ گلستان به سختی همکاری می‌کند و معمولاً عکس‌های مناسبی در اختیار نویسندگان، پژوهشگران و تاریخ‌نگاران قرار نمی‌دهد. به همین خاطر، بسیاری از پژوهشگران و تاریخ‌نگاران مجبورند به تصویرهایی از ایران که در سایت‌ها یا موسسه‌های غیرایرانی وجود دارد یا به کتاب‌های عکسی که پیش از این منتشر شده، رجوع کنند. نکته دوم این است که منابع تاریخی موجود در کاخ گلستان نیز نیاز به تدقیق و پژوهش بیشتر دارند. در بعضی موارد، شیشه‌ها یا عکس‌هایی هستند که به نام چند عکاس ثبت شده یا به نام هیچ عکاسی ثبت نشده‌اند و در مواردی، پژوهشگران در انتساب آن عکس به عکاس در آلبوم‌ها اختلاف نظر دارند. چون برخی از این عکس‌ها در مراکزی نظیر موزه قوم‌شناسی لایدن، هلند، موزه اسپیگه‌سونیان آمریکا و یا موزه ملی گرجستان به نام عکاس دیگری ثبت شده‌اند، به همین علت در بسیاری موارد به دلیل دسترسی دشوار و بعضاً ناممکن در مراحل آغازین تاریخی، گرفتار مشکلاتی هستیم. امیدوارم مراکزی که عکس‌های تاریخی را در ایران نگهداری می‌کنند، مخصوصاً مهم‌ترین و معتبرترین آن‌ها یعنی کاخ گلستان؛ به راحتی آرشیو عکس‌ها را برای استفاده در اختیار پژوهشگران بگذارند.

نکته سوم این که درباره عکاسان دوران قاجار، نوشته‌هایی مستقل وجود ندارد. معمولاً در فضای مطالعات فرهنگی و انتقادی، بر روی مجموعه آثار یک عکاس؛ خوانش‌های متفاوتی صورت می‌گیرد و از رهیافت‌های مختلف به آثار آن‌ها نگریسته می‌شود. تعداد کتاب‌هایی که شرح احوال و آثار عکاسان ایرانی را به طور مستقل بررسی کرده باشد، بسیار اندک است. به غیر از کتاب‌هایی درباره ارنست هولتسر (توسط پریسا دمندان) (۳)، آقازاده عکاسباشی (توسط محمدرضا طهماسب‌پور و دکتر محمد ستاری) (۴) و کتابی درباره تعدادی از عکاسان ایتالیایی

که در دوران قاجار در ایران فعالیت کرده‌اند (توسط محمدرضا طهماسب‌پور)، (۵) کتاب مستقلی درباره زندگی و آثار عکاسان ایرانی به صورت تک نگاری وجود ندارد.

اما نام‌ها و عکاسان بسیاری وجود دارند که عکس‌های زیادی از آن‌ها موجود است و می‌تواند منبع مهمی برای نگاهی موشکافانه و پژوهش‌هایی جداگانه مورد استفاده قرار گیرند. عکاسان برجسته‌ای چون میرسید علی، میرزا حسینعلی عکاس، میرزا احمد عکاسباشی، میرزا ابراهیم خان عکاسباشی، آنتوان سوریوگین، عبدالله میرزا قاجار، ژوزف پاپازیان، یوسف خان عکاس، علی خان والی، میرزا ابوالقاسم نوری، برادران کازرونی در شیراز و بسیاری نام‌های دیگر که در پژوهش‌های پیش‌مقدم نام‌ها ذکر شده است (۶). زندگی و آثار هر کدام از این عکاسان، می‌تواند نه تنها از منظر تاریخی، بلکه از موضع و منظرهای متفاوتی مورد بررسی دقیق پژوهشگران قرار گیرد. اسناد تصویری رانیز می‌توان از همین منظر نگریست و درباره آن‌ها تأمل کرد.

کتاب حاضر به همین منظور گردآوری شده است. کتابی با ۶ مقاله درباره عکس‌های آنتوان سوریوگین؛ عکاس برجسته ایرانی - ارمنی - گرجی. عکاسی که عکس‌های او نقش مهم و تاثیرگذاری در ساختن و نمایش چهره ایرانیان قرن نوزدهم و آستانه قرن بیستم در خارج از ایران داشته است. این شش مقاله، با همکاری استادان صاحب‌نام حوزه تاریخ عکاسی، پژوهشگران هنر و ترجمه‌هایی از برجسته‌ترین متن‌ها و مقالاتی که درباره سوریوگین در زبان انگلیسی موجود بوده در کنار هم قرار گرفته است. هرچند مقالات و کتاب‌های فراوانی درباره سوریوگین به زبان انگلیسی موجود است، اما این مجموعه؛ اولین مجموعه مقالات درباره او و عکس‌هایش به زبان فارسی است.

تصمیم برای انتشار مجموعه مقالات بر روی عکاسان دوره قاجار، به تجربه شخصی من باز می‌گردد. امیدوارم بعد از این کتاب، مجموعه مقالاتی درباره «عبدالله میرزا قاجار» را نیز به صورت کتابی مستقل به انجام برسانم. در سال ۱۳۹۶ نمایشگاهی از آثار سوریوگین با عنوان «مردم معمولی» در موزه عکسخانه شهر برگزار شد. در کنار برگزاری نمایشگاه، سه جلسه سخنرانی هم انجام شد. همین جا بود که پی بردم مقالات اندکی درباره عکاسان دوره قاجار و خوانش عکس‌های آن‌ها موجود است. به همین خاطر تصمیم گرفتم کتاب مجموعه مقالاتی درباره «آنتوان سوریوگین» را گردآوری کنم. این کتاب حاصل سه مقاله تالیفی و سه ترجمه است. در مقاله نخست در نوشته‌ای کوتاه، اطلاعاتی درباره زندگی سوریوگین داده شده است. متن را خانم آفرودیت دزیره نواب؛ نوشته‌اند که از دانشنامه ایرانیکا برگزیده شده است (۷). مقاله دوم، جست‌وجویی در عکس‌های سوریوگین به منظور بررسی زندگی روزمره مردم معمولی در این تصاویر است. متن آن را آقای محمدرضا طهماسب‌پور؛ هشتاد و پنج ساله تاریخ عکاسی ایران نوشته‌اند. مقاله سوم، متن مهمی است از فصل سوم کتاب دکتر علی بهداد با عنوان «دوربین شرقی» (۸). دکتر بهداد با رهیافتی متفاوت عکس‌های سوریوگین را بازخوانی کرده‌اند. ایشان استاد دانشگاه کالیفرنیا هستند و متن‌های مهمی درباره عکاسی در دوران قاجار و منطقه خاورمیانه به رشته تحریر درآورده‌اند. در مقاله چهارم، دکتر باوند بهپور متنی جذاب با ایده‌ای درخشان درباره عکس‌های سوریوگین نوشته‌اند. متنی که خوانش عکس‌های سوریوگین را دگرگون می‌کند. او ابتدا نگاه معمول به عکس‌های او را منهدم می‌کند و سپس به مخاطبان گوشزد می‌کند که می‌توان و باید جور دیگری آن‌ها را دید. بخش مهمی از متن او تصویری است. در مقاله پنجم یکی از پژوهشگران تاریخ هنر ایران و خاورمیانه؛ خانم دکتر استیسی جم-شی ویلر، بسیاری از مشکلات تاریخی و زندگی‌نامه‌ای آنتوان سوریوگین را مشکافانه

بررسی و مقاله‌ای مناقشه‌آمیز درباره او تألیف کرده‌است. این مقاله، از کتاب «لنز بومی» برگزیده شده است (۹). در مقاله ششم، دکتر احمد چایچی امیرخیز؛ نگاهی می‌اندازد به تعدادی از عکس‌ها و شیشه‌های آشفته سوربوگین و صحت تعدادی از عکس‌ها را با مدارک کافی اثبات می‌کند. هرچند این موضوع که عکاس بسیاری از عکس‌ها، هم‌چنان نامشخص مانده‌اند را تأیید می‌کند.

در اینجا قصد دارم از تمام دوستانی که مرا در گردآوری، انتخاب، ترجمه و انتشار این کتاب یاری کردند سپاس‌گزاری کنم. از همکاران عزیزم در موزه عکسخانه شهر، پیمان عمرانی، سهیل کریمی و سیدسعید میردامادی ممنونم. در طول این سال‌ها، محبت بسیاری کشیدند و انگیزه اصلی انتشار این کتاب را مدیون آن‌ها هستم. از آقای دکتر محمد طهماسب‌پور، دکتر باوند بهپور، دکتر احمد چایچی امیرخیز، دکتر علی بهداد و خانم دکتر استیسی جم - شی ویلر بی‌نهایت سپاس‌گزارم که برای کتاب نوشتند یا اجازه استفاده از نوشته‌هایشان را دادند. از دوست گران‌قدرم فرید دبیرمقدم و خانم بهار احمدی که برای همه خوب و روان دو متن مهم کتاب هم بسیار سپاس‌گزارم. در نهایت از انتشارات کتاب پرگار و همکاران محترم آن در بخش‌های گوناگون، برای پذیرش چاپ و انتشار کتاب بی‌نهایت قدر دانم.

امیر هوشنگ للهی

پاییز ۱۴۰۰